

از شهادت طلبی شیعه تا عملیات
انتحاری القاعده

از شهادت طلبی شیعه تا عملیات انتحاری القاعده

این نوشتار در صدد بیان دیدگاه های فقه شیعه در مورد مسئله جهاد است و به بحثهایی چون جهاد ابتدایی، جهاد دفاعی، جهاد از منظر اسلام و قرآن، سیره فقها در دفاع از سرزمینهای اسلامی و بحث عملیات شهادت طلبانه می پردازد. در حقیقت این مقاله در پی آن است که با تعریف کلی از جهاد و انواع آن، مرزهای تفکیک این فریضه دینی با مسئله ترور و حملات انتحاری را تبیین کند.

در دو دهه اخیر و با گسترش مبارزه مردم فلسطین و ورود آن به عرصه جدیدی از مقاومت، همچنین ظهور «القاعده» و تهاجم آمریکا به عراق، موضوع جهاد از سوی افکار و رسانه های غربی مورد توجه قرار گرفته است؛ چه آن که به خاطر عدم شناخت دقیق مبانی دینی مسلمانان، مسئله جهاد، ترور و حملات انتحاری در یک ردیف با باری کاملاً منفی گنجانده شده است. در این مقاله تلاش شده است به شکلی مختصر، تعریف کلی از جهاد و انواع آن و مرزهای تفکیک این فریضه دینی با مسئله ترور و حملات انتحاری تبیین شود.

هر چند بین مبانی فقهی شیعه و اهل سنت تفاوت های زیادی وجود دارد، اما در این مقاله، تنها به ارائه دیدگاه های فقه شیعه درخصوص بحث جهاد می پردازیم. دلیل اصلی آن به وجود آمدن فرقه های مختلف و تندرو در میان اهل سنت است که عملاً اجازه بیان «نظری مطلق» از سوی علمای اهل سنت را از بین برده است. نمونه بارز آن، فرقه وهابیت است که هجوم و کشتار و جنایات وحشیانه زیادی در کارنامه خود، از جمله حمله و قتل و غارت مردم و هتک حرمت عتبات عالیات را به ثبت رسانده و در دهه اخیر، حمایت از طالبان و «القاعده» را یدک می کشد. عجا که هیچ آهی از نهاد علمای اهل سنت بر نخواست است!

جهاد ابتدایی یا اصلی:

جهاد عقیدتی و ابتدایی، جز با امر و اذن امام عادل جایز نیست؛ یعنی مسلمانان نمی توانند، خودسرانه به این کار اقدام کنند، به تعبیر دیگر، تا موقعی که از جانب امام عادل، مصلحت اندیشی صورت نگیرد و فرمانی صادر نشود، هیچ کس حق جهاد علیه کفار را نخواهد داشت. فقه شیعه در ماهیت جهاد ابتدایی، دیدگاه ویژه ای دارد؛ اغلب قریب به اتفاق فقیهان شیعه، تقسیم بندی جهاد به دو نوع «ابتدایی» و «دفاعی» را همانند اهل سنت پذیرفته اند، اما بر خلاف اهل سنت، «جهاد ابتدایی» و به تعبیر دیگر، «جهاد اصلی» را مشروط به امر امام معصوم مبسوط الید دانسته اند.

صالحی نجف آبادی، درباره دیدگاه عمومی فقیهان شیعه می نویسد: «عجیب است که هیچ یک از فقهای شیعه در این که جهاد اصلی، مشروط به امر امام معصوم مبسوط الید است، تردید نکرده اند.»

این مطلب در نظر علمای شیعه به قدری مسلّم بوده است که فیض کاشانی در کتاب الشافی می گوید: «چون در زمان غیبت، جهاد حق تعطیل است، ما از ذکر آداب و شرایط آن خودداری کردیم»

در نتیجه تا امام عادل دستور ندهد و مصالح اسلام و جامعه اسلامی را در جهاد نبیند، جهاد مجاز نخواهد بود.

جهاد دفاعی:

صاحب جواهر، موضوع جهاد دفاعی را دو چیز می داند: این که مسلمانان مورد هجوم کفار قرار گیرند و این هجوم (اولاً) اساس اسلام را تهدید کند و یا (ثانیاً) اراده استیلا بر بلاد مسلمانان داشته باشند و این، اسارت و آوارگی و اخذ اموال مسلمانان را در پی داشته باشد. در چنین شرایطی، بر همه مسلمانان، اعم از زن و مرد، سالم و بیمار، حتی کور و ناقص العضو، واجب است که به هر نحو ممکن و در هر شرایطی، اقدام کنند و نیازی به اذن امام و دیگر شروط جهاد ابتدایی ندارند. این دیدگاه عیناً در همه رساله های عملی امروز مراجع شیعه منعکس شده است.

وجوب و تحریم جهاد دفاعی:

شیخ محمد حسن نجفی می نویسد: «گاهی وجوب آن منع می شود، بلکه گاهی حرمت آن گفته می شود؛ اگر کفار حکومت جائز برخی از بلاد اسلامی یا همه سرزمین های اسلامی را در این زمان ها از حیث سلطه سیاسی تهدید و مداخله کنند، اما مسلمانان را در اقامه شعائر اسلامی ایفا کرده، آزاد بگذارند و به وجهی از وجوه در احکام آنان [مسلمین] تعرض نکنند، [در این صورت] ضروری است که از وجوب جهاد منع کرده یا تحریم شود؛ زیرا تغیر [زیان] به نفس و آسیب رساندن به جان بدون اذن شرعی جایز نیست.»

وجه امتیاز جهاد در اسلام:

در ارتباط با جهاد اسلامی، باید گفت، چون هدف اسلام، هدایت مردم و به اهتزاز درآمدن پرچم توحید، دیانت و حقیقت است، به نکاتی توجه شده است که جهاد اسلامی را از جنگ های دیگر ممتاز می سازد. در این مجال به چند مورد آن اشاره می شود:

الف) در نگاه اسلام حتی در هنگام پیکار با کفار، سپاه اسلام حق ندارد از کسانی که در پیکار مشارکت ندارند، سلب امنیت کند، بلکه موظف است، حقوق آنان را به رسمیت بشناسد؛ چنان که حق ندارد در جنگ، رفتار غیر متعارف و خشن از خود نشان دهد.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: وقتی که رسول خدا لشکری را گسیل می کردند، دستور می دادند که آنان در برابرش بنشینند و به آنان این گونه سفارش می کرد: به نام خدا و به خاطر خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا حرکت کنید، به دشمن شبیخون نزنید و آنان را مثله (قطعه قطعه) نکنید و کید و خدعه نزنید و پیران و کودکان و زنان را نکشید و جز در حال اضطرار، درختی را قطع نکنید.

با عنایت به این سفارش رسول اکرم (ص)، حرمت برخی از حملات به شهرهای بی دفاع به بهانه مبارزه با دشمنان کاملاً روشن است.

وقتی پیامبر فرماندهی برای جنگ تعیین می نمودند، او را به تقوای الهی سفارش می کردند، سپس می فرمودند: به نام خدا و در راه خدا کارزار کنید، خدعه، خیانت و مثله نکنید و فرزندی را نکشید، کسی که به یک بلندی پناهنده شد به قتل نرسانید، درختان را آتش نزنید و به آب نبندید و درختان به بار نشسته را نبرید، مزرعه را آتش نزنید و حیوانات را نکشید...

امیر مؤمنان فرمودند: پیامبر از به کارگیری سم در شهرهای مشرکین نهی کرده است. پیامبر خدا از کشتن زنان و فرزندان در جنگ نهی کردند، مگر این که در کارزار مشارکت داشته باشند.

ب) در نگاه اسلام، اگر در میدان جنگ و معرکه قتال، فردی از مسلمین به فردی یا افرادی از کفار

امان دهد، بر همه مسلمین واجب است که این امان دادن را به رسمیت بشناسند. امام صادق می فرماید: اگر سپاهی از مسلمین، گروهی از مشرکان را محاصره کرد و شخصی از مشرکان برخاست و تقاضای امان کرد و یکی از مسلمانان - حتی یک نفر عادی - به آنان امان داد، بر همه آنان، حتی بر بزرگشان واجب است که این امان را رعایت کنند. (ج) بر مسلمانان واجب است پیش از جنگ، کفار و مشرکان را به اسلام دعوت کنند و حقیقت را برای آنان بازگو کنند تا پیش از اتمام حجت، جنگ صورت نگیرد. امیرمؤمنان فرمودند: رسول خدا مرا به یمن اعزام کردند و فرمودند: یا علی با هیچ کس مقاتله و کارزار نکن، مگر این که او را به اسلام دعوت کرده باشی. به خدا سوگند اگر خداوند به وسیله تو یک نفر را هدایت کند برای تو بهتر است از آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب می کند.

جهاد در قرآن:

قرآن کریم به صراحت به پیامبر می فرماید: «و ان جنجوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله... و ان یریدوا ان یخدعوک فان حسبک الله هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین.» یعنی: اگر (کفار) به صلح گراییدند، پس تو نیز بدان بگرای و بر خدا توکل کن... و اگر می خواهند، با تو نیرنگ کنند، پس همانا خدا تو را کافی است. او کسی است که تو را به نصرت خود و به وسیله مؤمنان تایید کرد.

علامه طباطبایی در این زمینه می فرماید: اگر دشمن به سوی صلح و روش مسالمت آمیز رغبت کرد، تو نیز به سوی آن متمایل شو و به خدا توکل کن و مترس از این که مبادا اموری پشت پرده باشد و تو را غافل گیر کند و تو به خاطر نداشتن آمادگی نتوانی مقاومت کنی، چه خدای تعالی، شنوا و داناست و هیچ امری او را غافل گیر نکرده و هیچ نقشه ای او را عاجز نمی سازد، بلکه او تو را یاری کرده و کفایت می کند.

«لا ینهاکم عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم او تقسطوا الیهم ان الله لا یحب المقسطین...»

یعنی: خداوند متعال، شما را از دوستی و دادگری نسبت به همه کسانی که با شما به سبب پای بندیتان به دین جنگ نکرده و شما را از وطن هایتان نرانده اند، نهی نمی کند که با آنان به عدالت و انصاف رفتار کنید، چرا که خداوند مردم عادل و دادگستر را دوست دارد. تنها از دوستی کسانی نهی کرده است که با شما سر جنگ دارند و سر مساله دین با شما جنگیدند و شما را از دیارتان بیرون کردند و در بیرون کردنتان پشت به پشت هم دادند، خدا شما را از این که آنان را دوست بدارید، نهی فرموده و هر کس دوستشان بدارد، ستمکار است و ستمکار حقیقی هم همین گروهند.

سیره فقها در دفاع از سرزمین های اسلامی:

در دو سده اخیر که اوج هجوم دشمنان اسلام به بلاد اسلامی بوده و استعمارگران به دنبال شکستن اقتدار مسلمین و چپاول ثروت های آنان بودند، حضور حماسه آفرین فقیهان شیعه، بسیار برجسته تر از مقاطع دیگر تاریخ فقه و فقهاست. هرچند حضور آنان در عرصه سیاست و احساس مسؤولیت نسبت به سرنوشت مسلمین، بسیار فراتر از حضور در جبهه های دفاع از سرزمین های اسلامی است و مواردی را هم که دشمنان با تحمیل قراردادهای اقتصادی و سیاسی بر شؤون مسلمین تسلط پیدا می کردند، شامل می شود.

از آنجا که حمله دشمن به سرزمین های اسلامی منحصر به هجوم نظامی و پیاده کردن نیرو نیست، بلکه راه های به زنجیر کشیدن ملت ها در موارد مختلف به صورت نامرئی و با نفوذ در ارکان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز انجام می گیرد و بدون نیاز به حضور نیروهای مسلح با

وابسته کردن مسلمین از نظر سیاسی اقتصادی و فرهنگی بر شؤون مختلف جامعه اسلامی سلطه پیدا می کنند، فقیهان با هوشیاری در این گونه عرصه ها نیز نقش آفرینی کرده به مقابله با استعمارگران و دفاع از عزت و استقلال مسلمین پرداخته اند. مقابله با زیاده خواهی های سفیر روسیه در ایران - گریبایدوف - از سوی میرزا مسیح مجتهد و میرزای قمی و صدور فتوای جهاد علیه روسیه و ایادی وی که به مرگ او انجامید، حکم تحریم تنباکو از سوی میرزای شیرازی در عهد ناصری و قطع دست انگلیس، رویارویی با دخالت و تجاوز روس و نفوذ استعمار انگلیس در نهضت مشروطه از سوی علمای طراز اول نجف، تحریم کارهای بیگانگان در برخی مقاطع، برای مقابله با سلطه اقتصادی آنان، مقابله سید حسن مدرس با اولتیماتوم روسیه در دوران حاکمیت رضاخان، ایستادگی آیت الله کاشانی در برابر نفوذ آمریکا در عصر محمدرضا پهلوی و سرانجام، قیام خونین ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی در برابر ابرقدرت های شرق و غرب و ایادی داخلی آنان، تنها چند نمونه از این قبیل است.

تحریم ترور:

اشاره شد که فقه شیعه غیر از وضعیت دفاعی، اعم از شخصی و خوف نفس یا دفاع از کبان اسلام و موجودیت جامعه اسلامی، هرگونه تعرض به غیر مسلمانان را تحریم می کند. منظور از «وضعیت دفاعی» کاملاً روشن است. فقه شیعه، دفاع شخص از نفس و جان را ذیل کتاب های «حدود» قرار داده، اما دفاع از کبان اسلام و هویت جامعه اسلامی را در قالب «جهاد دفاعی» تشریح کرده است.

هرچند جهاد دفاعی، مستلزم هر اقدامی برای واکنش به تجاوز می باشد، تفکر شیعی توسل به ترور را تحریم کرده است. می توان گفت که هیچ یک از منابع شیعه از مفهوم «ترور» به طور ایجابی سخن نگفته اند. بدین سان، ترور، از جمله اقدامات ممنوعی است که فرهنگ دفاعی شیعه و ادبیات فقه دفاعی با آن مواجهه سلبی دارد.

اندیشمندان شیعه، تحریم مطلق ترور را از روایت امام صادق علیه السلام استفاده می کنند که ایشان نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است. روایت ناظر به داستانی خاص درباره حکم کسی است که امیرالمؤمنین علیه السلام را سب کرده بود. بنابر اندیشه اسلامی، سب ائمه اطهار - علیهم السلام - همانند سب نبی - صلی الله علیه و آله - است. اما امام صادق - علیه السلام - از ترور سب کننده منع کرد. فقیهان مسلمان با استناد به این رویداد، از آن رو که عبارات روایت مطلق هستند، مطلق ترور را تحریم کرده اند.

ترور یا دفاع از کبان اسلام؟

شاید در اینجا پرسیده شود که صدور حکم اعدام سلمان رشدی از سوی حضرت امام خمینی (ره) و یا کشتن حسن علی منصور توسط گروه فدائیان اسلام به چه صورت است؟ در پاسخ باید گفت که مهم ترین معیار صدور حکم جهاد دفاعی از سوی ولی فقیه، هجوم کفار به مسلمانان برای از بین بردن اصل اسلام و به خطر انداختن اساس دین است. ممکن است در برهه ای از زمان، این تهدید و استیلا، نه به شکل نظامی که به شکل فکری باشد و مهم تر آن که سکوت در برابر این هجوم، زمینه ساز حملات بزرگ تری از سوی دشمنان است. در این حال و با تشخیص موضوع و مصداق از سوی حاکم شرع جامع شرایط، حکم اعدام صادر شده است. در خاطرات فدائیان اسلام بارها آمده است که این گروه، در پی گرفتن جواز ترور سران رژیم، ماهها با مراجع عظام تقلید بحث می کردند و زمانی اقدام به ترور حسنعلی منصور کردند که مجوز شرعی آن را از سوی یکی از مراجع مسلم تقلید دریافت نمودند.

گستره عملیات های شهادت طلبانه چقدر است؟

هرچند بحث عملیات شهادت طلبانه، به ویژه پس از مسائل فلسطین مطرح شده، اما تاکنون، بحث فقهی دقیقی در این باره نشده است. بنابراین، مسئله ای مستحدثه است که بیشتر در فتاوی فقهی و رعایت احتیاطات لازم مطرح شده است. در اینجا می کوشیم با تحلیل این فتواها و اشاره به برخی منابع روایی آن ها در فقه شیعه، حدود و کیفیت تقریبی دفاع استشهادی در فرهنگ سیاسی - دفاعی معاصر شیعه را ارزیابی کنیم:

در یکی از استفتائات آیت الله العظمی فاضل لنکرانی سؤال شده است: «آیا جایز است که برای کشتن دیگران دست به انتحار بزنیم؛ مثل عملیات های انتحاری ملت فلسطین؟» ایشان در پاسخ نوشته اند: «مسئله فلسطین، مسئله دفاع است و دفاع از خود و حریم و ناموس و کیان اسلام به هر نحوی که باشد، جایز است.»

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی در جای دیگری توضیح بیشتری دارند. ایشان در جلد دوم جامع المسائل می نویسند: «اگر انسان احتمال دهد یا بداند که دفاع او از جان خود یا بستگان خود، منجر به کشته شدن خودش خواهد شد، باز هم دفاع جایز، بلکه واجب است. ولی نسبت به مال، اگر می داند که دفاع او از مال منجر به کشته شدن خودش می شود، دفاع واجب نیست، بلکه احوط ترک است.»

اشارات آیت الله العظمی فاضل لنکرانی نشان می دهد که ایشان، عملیات انتحاری فلسطینیان را ذیل شرایط عمومی وجوب دفاع از نفس یا اساس اسلام قرار می دهند و تحت مقررات دفاع تعریف می کنند. بدین سان، آیت الله فاضل لنکرانی، با درج برخی دفاع های انتحاری ذیل شرایط عمومی جهاد دفاعی، از تأیید آن دسته از عملیات انتحاری که در فلسطین انجام شده و شهروندان غیرنظامی را هدف قرار داده اند، خودداری می کنند.

به دلیل آنکه این بخش از فتاوی فقهی اهمیت بسیاری از دیدگاه مقاله حاضر دارند، در ادامه، تفصیل استفتایی دیگر و پاسخ آیت الله العظمی فاضل لنکرانی را می آوریم:

س 294: مدتی قبل یک فلسطینی در پاساژ اسرائیلی با انفجار خود دست به انتحار زد. آیا بنابر قوانین جهاد در اسلام، جایز است فردی دانسته زنان و کودکان را بکشد؟

ج 294: «اگر دزدی به حریم خانه کسی تجاوز کرد، با او مقابله می کنند، اگر چه با زن و بچه خود آمده باشد. اما در مورد پرسش شما، باید توجه داشته باشیم که این، اشغالگران صهیونیست هستند که کودکان فلسطین را در آغوش مادرانشان شهید و خانه آنان را بر سرشان خراب می کنند... لکن از نظر اسلامی، لازم است مجاهدین فلسطین با نظامیان اسرائیلی و با غیرنظامیانی که پشتیبانی و حمایت از صهیونیست ها می کنند، مبارزه و جهاد کنند.»

دو نکته اساسی در فتوای ایشان قابل توجه است:

نخست آن که ایشان، عملیات و دفاع انتحاری را نه در جهت قتل شهروندان، بلکه فقط برای مقابله با نظامیان اسرائیلی و حامیان مستقیم و فعال هجوم های نظامی اسرائیل تجویز می کنند و این امر را دقیقاً ذیل ادله و موارد دفاع مشروع می دانند.

دوم آنکه استفتای مزبور با تکیه بر ادله فقهی شیعه در باب «دزد متجاوز» (لصّ محارب) پاسخ داده شده است.

برخی، گزارش ها و فتاوی معاصر دفاع انتحاری یا عملیات شهادت طلبانه را با تکیه بر چنین زمینه ای از فرهنگ دفاعی و با قید «عدم تعرّض به غیر نظامیان» تجویز کرده اند. با این حال، ادبیات بحث، هنوز در تحقیقات شیعی معاصر، دارای غنای لازم برای داوری و درک قطعی

نیست و به لحاظ تفاوت با اهل سنت، نمی توان ادبیات موجود در فقه معاصر اهل سنت را به جوامع شیعی تعمیم داد. اما به نظر می رسد، تحولات اخیر در فلسطین اشغالی و به ویژه حوادث اخیر عراق و یا برخی بمب گذاری ها در اروپا که مسلمانان را در معرض اتهام قرار داده است، زمینه لازم برای گسترش این مباحث را آماده می کنند. ظهور موج استفتائات از مراجع شیعه، به ویژه آیت الله العظمی سیستانی در عراق و نیز تأملات و اظهارات همراه با احتیاط ایشان و خودداری از خون ریزی بیشتر در عراق تا مرحله ای که ناگزیر باید شیعیان از اقدامات بازدارنده تری سخن بگویند، این مباحث را در افکار عمومی شیعه زنده تر کرده است.